از میان خبرها

کمال دختر موبلوند را اسلاخی کرد

صاحب یک رستوران چینی در هندوستان به جرم تجاوز و قتل گارسن اش دستگیر و زندانی شد.
به گزارش رکنا، نیمه شب گذشته گزارش یک قتل در رستوران به اداره پلیس هند مخابره شد و ماموران با حضور در صحنه قتل و انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات اولیه خود را برای شناسایی قاتل آغاز کردند.
باتحقیقات اولیه و بررسی دوربین های مداربسته مشخص شد که صاحب رستوران قصد دست درازی به گارسن موبلوندش را داشت که ناگهان بایکدیگر درگیر شدند و متهم با ساطور گردن زن جوان را از تنش جدا کرد. گزارش پزشکی قانونی تجاوز به قربانی را تایید کرد و با معاینات دقیق و DNA اثر انگشت، قاتل بودن صاحب رستوران را مورد تایید قرار داد. پس از چند ماه تعقیب و گریز و پیگیری کمال ۴۰ ساله در خانه مجردی اش دستگیر شد و تحت بازجویی قرار گرفت.
کمال در بازجویی اش اعتراف کرد که هاله ۲۰ ساله را به دلیل زیبایی اش طعمه خود قرار داد و با اضافه کاری او را تا نیمه شب نگه داشت تا نیت پلیدش را اجرا کند اما دختر جوان درخواستش را رد کرد و این کار او موجب عصبانیت بیش از حد کمال و جنایت در دناکش شد. هم اکنون کمال در بازداشت است تا جلسه دادگاهی اش به زودی برگزار شود.

پلیس ایران قاچاقچی تریاک را در لندن زمین گیر کرد

فرمانده پلیس فرودگاه‌های کشور در تشریح عملکرد پلیس فرودگاه در فصل بهار از دستگیری قاچاقچی مواد مخدر با همکاری پلیس فرودگاه‌های ایران در لندن خبر داد.
به گزارش ایسنا، سردار حسن مهری در حاشیه نشست خبری که به منظور تشریح اقدامات حج برگزار شد، درباره عملکرد سه ماهه پلیس فرودگاه‌های کشور گفت: کشفیات مواد مخدر در فرودگاه‌های کشور در بهار امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷۲ درصد افزایش را نشان می دهد. همچنین دستگیری های ما در این زمینه نیز افزایش ۴ درصدی داشته است.
وی با بیان این که کشفیات ما در حوزه محصولات پستی نیز ۱۶ درصد افزایش داشته است، اظهار کرد: در یک پرونده، فردی که قصد داشت مواد مخدر را از فرودگاه شیراز در پوشش محموله صنعتی به لندن بفرستد با هماهنگی پلیس دو طرف در لندن دستگیر و از این فرد ۲۵ کیلوگرم تریاک کشف شد. وی با بیان این که متهم ایرانی بود، افزود: با توجه به این که محموله به شکل پستی ارسال شده بود فرد ارسال کننده نیز در ایران شناسایی و دستگیر شد. مهری با بیان این که کشفیات پلیس در زمینه بلع و انباری مواد مخدر افزایش داشته است، افزود: کشفیات ما دو برابر و دستگیری هایمان سه برابر در مقایسه با بهار سال ۹۷ رشد داشته است. فرمانده پلیس فرودگاه‌های کشور از انهدام دو باند زنان قاچاقچی مواد مخدر در فرودگاه شیراز خبر داد و گفت: این دو باند که در مجموع ۱۰ عضو داشتند بیشتر می خواستند مواد مخدر تریاک را به قطر و از آن جا به کشورهای آسیای شرقی منتقل کنند که شناسایی و دستگیر شدند. وی با اشاره به اقدامات انجام شده در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز گفت: کشفیات کالای قاچاق ۲۶۳ میلیارد ریال است که در مقایسه با بهار سال گذشته رشد ۵۰ درصدی داشته است. دستگیری های ما نیز ۳۰ درصد رشد داشته است. همچنین تشکیل پرونده قاچاق نیز ۳۵ درصد رشد داشته که تمام این اقدامات به منظور کمک به مسیر رونق تولید داخلی انجام شده است.

با همکاری سران طوایف کرمان انجام گرفت

بیش از ۲ هزار مورد صلح و سازش در پرونده های جرایم خشن

توکلی- رئیس کل دادگستری استان کرمان از بیش از دو هزار مورد صلح و سازش در پرونده های جرایم خشن باهمکاری سران طوایف جنوب و شرق این استان خبر داد.
به گزارش خبرنگار ما، موحد گفت: پس از انعقاد میثاق نامه عدالت و امنیت پایدار مسئولان ارشد قضایی، اجرایی، انتظامی، ائمه جمعه، سران طوایف و معتمدان جنوب و شرق، ۸۴۴ قبضه اسلحه غیرمجاز جمع آوری شد. مقام ارشد قضایی استان کرمان با اشاره به اثر بخشی این برنامه افزود: دو هزار و ۸۲ مورد صلح و سازش در پرونده های جرایم خشن داشتیم و تعداد ۱۳۶ نفر از سران طایفه فعال، که منجر به کاهش ۵ درصدی آمار قتل عمد در کل استان شده است.
وی تصریح کرد: در اجرای این میثاق نامه، با همکاری سران طوایف، تعدادی از قاتلان فراری تحویل دستگاه قضایی شده‌اند. وی از دستگیری بیش از دو هزار محکوم فراری در اجرای این طرح خبر داد.

اختصاصی خراسان

عامل قتل های سریالی در گفت‌وگو با خراسان:

پاهایش را اره نکردم!

سجاد پور- عامل قتل های سریالی که راز جنایت های وحشتناک او اسفند سال گذشته و با کشف جسد مرد ۵۷ ساله در شهرک مهرگان مشهد لورفت، در حالی زندگی پیچیده اش را برای خبرنگار خراسان بازگو کرد که ۱۶ سال از عمرش را پشت میله های زندان گذرانده است و از کشتن سه نفر در «پاتوق سیاه» به راحتی سخن می گوید. آن چه می خوانید گفت‌وگوی چند ساعته خبرنگار خراسان با این قاتل خطرناک است.

عامل قتل های سریالی، در حال بازسازی صحنه جنایت در حضور قاضی میرزایی

عکس ها اختصاصی از خراسان

نامت چیست؟ علیرضا-ر هستم.
چند سال داری؟ سال ۱۳۶۰ متولد شدم و تقریبا وارد ۳۸ سالگی می شوم.
درس هم خوانده ای؟ بله! تا کلاس دوم راهنمایی سواد دارم.
چرا ادامه تحصیل ندادی؟ به خاطر رفیق بازی! در خانواده ام کسی نبود مرا درک کند!
معتادی؟ بله! اوایل که زندان بودم شیره و تریاک مصرف می کردم اما الان مواد مخدر صنعتی می کشم!
سیگار چطور؟ همه اعتیادها ابتدا از کشیدن سیگار شروع می شود چطور سیگار نمی کشم!
اولین بار چند سالت بود که سیگار کشیدی؟ در دوران ابتدایی درس می خواندم! با دوستانم به باغ یا بیابانی می رفتیم و یک بسته سیگار را یک جا می کشیدیم!
چرا؟ فکر می کردم ابهت دارد! با کشیدن سیگار احساس بزرگی می کردم.
در مشهد زندگی می کنی؟ خیلی وقت نیست که از زندان آزاد شده ام! قبلا در یکی از روستاهای تایباد زندگی می کردیم اما بعد از آزادی از زندان به مشهد آمدم تا در خانه ویلایی ارثیه ای که از پدرم در شهرک مهرگان باقی مانده بود، روزگارم را بگذرانم!
همین منزلی که به پاتوق معتادان تبدیل شده بود؟ بله! در همین جا زندگی می کردم.
چند سال زندان بودی؟ بیشتر از ۱۶ سال از عمرم را در زندان گذراندم.
اولین بار که زندان را تجربه کردی چند ساله بودی؟ ۱۴ سال بیشتر نداشتم که به خاطر اعمال منافی عفت حدود سه سال در کانون اصلاح و تربیت بودم!
بعد از آزادی چه کردی؟ هنوز چند ماه بیشتر از آزادی ام نگذشته بود که دوباره به خاطر آزار و اذیت یک دختر ۱۰ ساله باز هم به مدت ۱۰ سال روانه زندان شدم!
یکی از برادرانت را که به قتل رساندی، برادر دیگرت چگونه فوت کرد؟ او شش سال از من کوچک تر بود، سقف انباری خراب شد و از ناحیه کمر آسیب دید که بعد هم در زندان جان سپرد.
چگونه سقف خراب شد؟ کبوتر باز بود! برای آن ها لانه گنبدی شکل ساخته بود که سقف آن فروریخت و قطع نخاع شد. البته معتاد هم بود.
چرا در نوجوانی به زندان افتادی؟ پرشر و شور بودم! همه از دستم عذاب می کشیدند حتی در زمان تحصیل پرونده ام را زیر بغلم دادند و اخراجم کردند! هیچ مدرسه ای مرا قبول نمی کرد! کسی را هم نداشتم که راه درست زندگی را به من بیاموزد! بچه ها را کتک می زدم! درس نمی خواندم! همه توجه پدر و مادرم نیز به دو برادر بزرگ ترم «س» و «جبار» بود.
برادران بزرگ تر تو را راهنمایی نمی کردند؟ چرا یک بار همین جبار (مقتول) به خاطر کشیدن سیگار چنان مرا کتک زد که غش کردم.

عامل قتل های سریالی جسد برادرش را در این جا دفن کرده بود

خیلی از او ناراحت شدی؟ این کار او از همان دوران کودکی برایم یک عقده و کینه شده بود! البته کارش به خاطر کشیدن سیگار درست بود و باید مرا از این کار منع می کرد ولی رفتارش درست نبود چون از همان زمان درصدد انتقام از او برآمدم.
اولین بار کجا مواد مصرف کردی؟ آن زمان ۱۳ سال داشتم که به خانه یکی از بستگانم رفتم! آن ها آهنگ ضبط می کردند و تا صبح بیدار بودیم. همان جا بود که برای اولین بار «بنگ» کشیدم تا به آن ها بفهمانم که من هم بزرگ شده ام!
چگونه معتاد شدی؟ سال ۷۴ وقتی به مدت سه سال روانه زندان شدم! به طور قاچاقی و پنهانی در زندان مواد مصرف می کردم و با این کارم احساس غرور داشتم. بعد از سه سال که آزاد شدم دوباره به مصرف مواد ادامه دادم و پولش را از پدر و مادرم می گرفتم! اگر چه مدت زیادی در بیرون از زندان نبودم!
چند بار به زندان افتادی؟ روی هم هفت بار سابقه دارم! البته برخی از این سوابق در زندان بود به خاطر این که هنگام مصرف مواد دستگیر می شدم و دوباره مدت محکومیتم بیشتر می شد! خلاصه ۱۶ سال از عمرم را در زندان گذراندم.
اولین بار بعد از سه سال که آزاد شدی؛ چند ماه بعد دوباره به زندان بازگشتی؟ فقط چهار ماه بعد! در زندان هم رفتار خوبی نداشتم به همین خاطر همواره سعی می کردند مرا به زندان های دیگر بفرستند اما آن ها هم برای پذیرش من بهانه های زیادی می تراشیدند با وجود این عمرم را در زندان گذراندم.
چگونه در زندان مواد مخدر تامین می کردی؟ وقتی در زندان یکی از شهرهای خراسان رضوی بودم و کسی از هم بندی هایمان آزاد می شد با هم قرار رمزی می گذاشتیم مثلا او با موتورسیکلت به پشت دیوار زندان می آمد و بعد از زدن دو بوق ممتد، مواد را از روی دیوار پرت می کرد، درست زمانی که ما در هواخوری بودیم و او این ساعت را می دانست! من هم مواد را برمی داشتم!
یعنی کسی متوجه نمی شد؟ چرا! در خیلی از موارد دستگیر می شدم نگهبان ها خیلی از من زرنگ تر بودند به همین دلیل هم پرونده هایم روی هم انباشته می شد و دوران محکومیت بیشتری را تحمل می کردم!
پدر و مادرت چه زمانی فوت کردند؟ پدرم در سال ۸۲ فوت کرد و مادرم نیز هشت سال قبل از دنیا رفت.
پدرت چه کاره بود؟ کفاشی داشت! مرد خوبی بود حتی دو بار روزنامه ها با او مصاحبه کردند!
آخرین بار کی از زندان آزاد شدی؟ حدودیک سال و نیم قبل بود.
چرا به مشهد آمدی؟ بچه ها خبر آوردند که برادرت جبار خانه ویلایی مشهد را به «پاتوق» تبدیل کرده و معتادان را دور هم جمع می کند غیرتی شدم و به مشهد آمدم تا او را از این کار بازدارم!
از سوی دیگر هم سابقه دار بودم و نمی خواستم در شهر مرزی بمانم!
آن منزل خالی از سکنه بود؟ نه! برادرم «س» آن جا را اجاره داده بود که من از او خواستم هر چه زودتر خانه را تخلیه کند!
به او گفتم: فکر نکنی که من وقتی به مشهد آمدم در پارک می خوابم! او هم که می دانست من لجباز هستم از ترس پول مستاجر را داد و خانه را تخلیه کرد.
برادرت جبار (مقتول) هم در همان خانه زندگی می کرد؟ بله! او اعتیاد شدیدی داشت، زنش هم جدا شده بود! و در کنار من زندگی می کرد ولی دوستان معتاد زیادی داشت که من آن ها را بیرون کردم.
پس چرا او را کشتی؟ برادرم مرا مزاحم خودش می دانست و قصد داشت ارثیه (خانه) را بالا بکشد از سوی دیگر هم به هر حیله ای متوسل می شد تا مرا دوباره به شهرستان بفرستد ولی من به دوستان او گفتم اگر مواد می خواهید خودم به شما می دهم! کاری به من نداشته باشید!
فقط برای همین دست به قتل زدی؟ نه! او بارها سعی کرد مرا به قتل برساند! حتی یک بار خانه را به آتش کشید تا چنین وانمود کند که من هنگام خماری دچار سوختگی شده ام!
مشکلات زیادی با هم داشتیم به همین خاطر اورا کشتم!
جسد را چه کردی؟ در همان خانه سوزاندم و در یک چاله دفن کردم!
اما جسد تکه تکه بود؟ پلیس می گوید تو جسد را اره کرده ای! اما من پاهایش را اره نکردم! من فقط جسد را به آتش کشیدم ولی زمانی که می خواستم بقایای پیکر برادرم را درون چمدانش بگذارم، جا نمی شد به همین خاطر پاهایش کنده شد!
آن پیرزن را چرا به قتل رساندی؟ او ضایعات جمع کن و معتاد بود. وقتی به خانه ام آمد من خواب بودم فکر کردم موادم را سرقت کرده است با هر ترفندی که خواستم مواد مخدرم را پس بگیرم زیر بار نمی رفت به همین دلیل او را کشتم.
چرا جسد آن زن را دفن نکردی؟ من تا صبح کنار جسد او بودم و فکر می کردم که چگونه از شر جسد خلاص شوم! ناگهان فکری به ذهنم رسید و جسد را درون موکت گذاشتم و لوله کردم سپس آن را روی دوشم انداختم و در کوچه بالاتر درون یک زمین مخروبه رها کردم.
دوست برادرت را با چه انگیزه ای به قتل رساندی؟ او به نبود برادرم در منزل مشکوک شده بود چرا که آن ها با یکدیگر دوست بودند و همواره با نیش و کنایه از من درباره برادرم جبار سوال می کرد وقتی فهمیدم که او احتمالا از قتل باخبر شده است به ناچار او را هم با همان شیوه دو قتل دیگر کشتم و جسدش را در حیاط منزل دفن کردم.
چه شد که به بندر عباس گریختی؟ یک روز وقتی به خانه بازگشتم همه چیز را به هم ریخته دیدم و فهمیدم که جسد مرد ۵۷ ساله را بیرون آورده اند! این بود که ترسیدم و به تهران و اصفهان و بعد هم به بندر عباس گریختم که آن جا خودم را به پلیس معرفی کردم.
چرا؟ چون عذاب وجدان داشتم!
اگر در مشهد خودت را معرفی می کردی بهتر نبود؟ نه! وقتی در بندر عباس و کنار دریا نشسته بودم با پیرمردی آشنا شدم او مرا تشویق کرد که خودم را معرفی کنم ضمن این که با خودم گفتم، چند ماه طول می کشد تا مرا به آگاهی مشهد تحویل بدهند و در همین فاصله خانواده های مقتولان سرد می شوند و از خطای من می گذرند!
حرف آخر؟ پشیمانم!

عامل قتل های سریالی: ۱۶ سال از عمرم را در پشت میله های زندان گذراندم!

سابقه خبر

اسفند سال ۹۷ و در پی اعلام گم شدن یک مرد ۵۷ ساله پراید سوار، تحقیقات کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی با دستور سرهنگ غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) آغاز شد. کارآگاهان دایره فقدانی آگاهی که به سرپرستی سرهنگ سرایانی فعالیت های پلیسی خود را بار دیابی های اطلاعاتی ادامه می دادند با کشف پراید مرد ۵۷ ساله به سرنخ هایی از جنایت رسیدند و این گونه بود که با دستورات ویژه قاضی کاظم میرزایی بررسی ها به منازل اطراف محل کشف پراید کشید و جسد دفن شده او در «پاتوق سیاه» کشف شد. گزارش خراسان حاکی است، بدین ترتیب «علیرضا» که فراری بود و در آن منزل سکونت داشت تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و در بندرعباس به دام افتاد و بعد از انتقال به مشهد و در بازجویی های تخصصی در حضور سرهنگ بهرام‌زاده (رئیس دایره قتل) و سرهنگ نجفی (افسر پرونده) راز دو جنایت دیگر را نیز فاش کرد.

در امتداد تاریکی

چشمان هوس آلود آن مرد!

وقتی وارد سایت های بی هویت «ماساژ درمانی» شدم تا به اصطلاح بیماری خودم را درمان کنم هیچ گاه فکر نمی کردم در دام شیطانی گرفتار می شوم که نه تنها زندگی ام را به نابودی می کشد بلکه این حادثه تلخ تا پایان عمر روح و روانم را آزار می دهد چرا که ...
زن ۳۱ ساله ای که مدعی بود با توسل به حیله و نیرنگ مورد آزار و اذیت قرار گرفته است، درباره چگونگی وقوع این حادثه تلخ به کارشناس و مددکار اجتماعی کلانتری میرزا کوچک خان مشهد گفت: مدتی بود که دچار دردهای استخوانی شده بودم به طوری که گاهی از شدت درد به خود می پیچیدم و گریه می کردم تا این که با راهنمایی یکی از دختران همسایه وارد سایتی شدم که ادعا می کردند از طریق داروهای گیاهی و ماساژ درمانی بسیاری از بیماری ها را درمان می کنند. «شیما» به منزل ما رفت و آمد داشت و ما با یکدیگر برای خرید بیرون می رفتیم یا عصرها کنار هم قلیان می کشیدیم به همین خاطر به حرف های او اعتماد داشتم اما نمی دانستم که احتمال دارد در پس این سایت های بی هویت چه حوادث وحشتناکی نهفته باشد.
خلاصه شرط اول آغاز معالجه و بیان نوع بیماری در این سایت آن بود که ابتدا باید ۱۰ نفر را دعوت به عضویت می کردم تا مشکل خودم را بیان کنم بالاخره این مراحل را طی کردم تا این که آن ها فرم مشخصات و نوع بیماری را برای من ارسال کردند و سپس وارد صفحه شخصی من شدند و قراری را برای ماساژ درمانی در منزلی گذاشتند که در نزدیکی محل سکونتم قرار داشت. من هم بدون هیچ گونه تحقیق در این باره به نشانی اعلام شده از سوی آن ها رفتم. آدرس خیلی دقیق بود وقتی زنگ منزل را به صدا درآوردم مردی که گویی از قبل مرا می شناخت و مشتاقانه منتظرم بود از طریق آیفون مرا به داخل منزل دعوت کرد. ابتدا خیلی ترسیدم و ترس عجیبی داشتم فکر نمی کردم ماساژور یک مرد باشد اما آن مرد که «الف» نام داشت با برخوردی مودبانه و با بیان این که ماساژ درمانی هم مانند فیزیوتراپی کاری بسیار تخصصی است مرا متقاعد کرد که ترسی نداشته باشم. او برای جلب اعتمادم اتاق ها را نیز نشانم داد که مطمئن شوم شخص دیگری در منزل نیست. اگر چه انتظار نداشتم که در آن خانه با مرد ماساژور روبه رو شوم اما او با صحبت هایش درباره مزایای ماساژ درمانی از اضطرابم کاست. من هم به ناچار موافقت کردم و او با رعایت پوشش مناسب و استفاده از برخی تجهیزات ماساژ درمانی موجب کاهش دردهای استخوانی ام شده و در پایان از من خواست که سه روز دیگر برای ادامه درمان به همان منزل بروم اگر چه بسیار ناراحت بودم و احساس گناه می کردم اما از این که دردهایم کاهش یافته بود خوشحال بودم به همین خاطر سه روز بعد نیز دوباره نزد «الف» رفتم تا امور درمانی تکمیل شود این بار اضطراب و نگرانی کمتری داشتم اما ناگهان احساس کردم «الف» با چشمانی هوس آلود نگاهم می کند. دیگر کاری از دستم برنمی آمد چرا که وضعیت روحی ام کاملا به هم ریخته بود و نمی توانستم تصمیم درستی بگیرم خلاصه مقاومت من بی فایده بود و او مرا آزار داد. بعد از این حادثه الف و دو تن از دوستانش با توسل به فریب و حیله و به بهانه رساندن من به خانه ام، مرا به سوی بیابان های اطراف شهرک مهرگان کشاندند و تهدیدم کردند که به کسی چیزی نگویم.
باورم نمی شد چه بلایی بر سر خودم آورده ام تا این که به منزل خواهرم آمدم و از پلیس کمک خواستم حالا نه تنها زندگی ام در آستانه فروپاشی است بلکه آبرو و حیثیتم نیز برباد رفته است که ای کاش... شایان ذکر است با دستور سرهنگ محتشمی (سرپرست کلانتری میرزا کوچک خان مشهد) اقدامات لازم برای دستگیری متهمان مورد ادعای این زن جوان آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

قاچاقچی مسلح و شناسنامه‌دار کشوری موادمخدر در ایستگاه آخر

توکلی- قاچاقچی و شرور مسلح کشوری ترانزیت کننده موادمخدر در تور سربازان گمنام امام زمان(عج) گرفتار شد.
دادستان عمومی و انقلاب شهرستان جیرفت از دستگیری یک قاچاقچی مسلح و شناسنامه دار موادمخدر در جیرفت خبر داد و گفت: متهم به ترانزیت محموله های سنگین موادمخدر در کشور اقدام می کرده است.
به گزارش خبرنگار ما، قاضی سلامی در تشریح جزئیات این خبر افزود: پس از چندین ماه کار منسجم اطلاعاتی از سوی سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره اطلاعات شهرستان جیرفت، مشخص شد یک باند قاچاق موادمخدر محموله های سنگین مواد مخدر را از مرزهای شرقی کشور بارگیری و به استان های عمقی و مرکزی کشور ترانزیت می کند. این مسئول قضایی اظهار کرد: بلافاصله دستورات قضایی لازم جهت شناسایی و دستگیری اعضای مرتبط با این باند مسلح قاچاق مواد مخدر صادر شد و ماموران اداره اطلاعات، محل اختفای سرکرده اصلی این باند را شناسایی کردند. وی خاطرنشان کرد: در یک عملیات اطلاعاتی غافلگیرانه، سربازان گمنام امام زمان (عج) موفق شدند بدون درگیری مسلحانه این شرور مسلح را به همراه یکی از همدستانش در محل مخفیگاهش دستگیر کنند. وی یادآور شد: در بازرسی از مکان مذکور مقادیری سلاح و مهمات، یک دستگاه خودروی پژو ۲۰۶ و مقدار ۳۰۰ کیلوگرم مواد مخدر از نوع تریاک کشف شد. این مقام قضایی در پایان با بیان این که مقصد نهایی تمام محموله های مواد مخدر این باند مربوط به خارج از استان کرمان بوده است، اضافه کرد: این شرور مسلح همچنین به اتهام قتل عمدی نیز تحت تعقیب قضایی قرار داشته است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و مشاعی
هیأت حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قم تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده‌های تشکیلی طبق قانون مذکور را براساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آراء ذیل تایید نموده‌اند.
۱ـ رأی شماره ۲۹۸۶ـ۱۳۹۸۶۰۳۳۰۰۱۰۰۲۹۸۶ مربوط به پرونده کلاسه ۱۰۰۰۶۵۷ـ۱۳۹۷۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۰۶۵۷ آقای/خانم رضا جام شهریاری فرزند میرزاآقا در ششدانگ یک باب ساختمان بمساحت ۲۸۸ مترمربع پلاک شماره ۳۳ فرعی از ۱۱۳۹۵ اصلی واقع در بخش یک ثبت قم. سند مالکیت مشاعی صادره در دفتر الکترونیکی ۱۰۰۵۱۷۴ـ۱۳۹۷۲۰۳۳۰۰۰۱۰۰۵۱۷۴.(م الف ۱۳۰۹)
۲ـ رأی شماره ۲۹۸۸ـ۱۳۹۸۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۲۹۸۸ مربوط به پرونده کلاسه ۱۰۰۱۰۲۱ـ۱۳۹۷۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۱۰۲۱ آقای/خانم رضا جام شهریاری فرزند میرزاآقا در ششدانگ یک باب ساختمان بمساحت ۱۴۴ مترمربع پلاک شماره ۳۳ فرعی از ۱۱۳۹۵ اصلی واقع در بخش یک ثبت قم. سند مالکیت مشاعی صادره در دفتر الکترونیکی ۱۰۰۵۱۷۴ـ۱۳۹۷۲۰۳۳۰۰۰۱۰۰۵۱۷۴.(م الف ۱۳۰۹)
مورد تایید قرار گرفته و از آنجائیکه مقرر گردیده است پس از نشر آگهی و انقضاء موعد مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه اشخاص ذینفع اعتراضی داشته باشند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد منطقه یک قم تسلیم و رسید آن را اخذ و ظرف مدت یکماه پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت به دادگاه مراجعه و دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم و گواهی آنرا به این اداره تحویل نمایند لازم به توضیح است که صدور سند بر اساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار اول: ۱۳۹۸/۰۴/۰۲ تاریخ انتشار دوم: ۱۳۹۸/۰۴/۱۷
محمدرضا ادیبان ـ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قم